

متن کامل سخنرانی رییس جمهوری اسلامی ایران در مجمع
عمومی سازمان ملل متحد
پیشنهاد دکتر احمدی نژاد برای تشکیل جبهه
«همبستگی برای صلح»

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و السلام و الصلوه على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و
صحابه المنتجبين

«اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من خیر انصاره و اعوانه

والمستشهدين بين یدیه»

رییس محترم، هیاتهای محترم نمایندگی، خانمها و آقایان، از اینکه توانستم بار دیگر

در این مجمع مهم جهانی شرکت کنم خوشحالم و خدای بزرگ را سپاسگزارم.

در فضای پر التهاب کنونی و غلبه فریادها، تهدیدها و تنشها و در دورانی که تدابیر

قدرتهای بزرگ از حل مشکلات ناتوان، عدم اعتماد در عرصه های منطقه ای و بین المللی

روز افزون و امنیت روانی جوامع، تحت هجوم سنگین طراحيهای تبلیغاتی و سیاسی

مخدوش و ناامیدی از اثر بخشی سیاستها و اقدامات سازمانهای بین المللی در برقراری صلح

و امنیت پایدار و صیانت از حقوق ملتها رو به گسترش است، قصد دارم به برخی چالشهای

مهم و اصلی امروز جهان و علل و ریشه های آن اشاره و راههای برون رفت از آنها را بررسی

نمایم. از ضرورت اصلاح وضع موجود و چشم انداز امید بخش و روشن آینده، دوران تجلی همه زیباییها، عشقها و کرامتها، برپایی عدالت و شکوفایی همه استعدادهای الهی انسان و حاکمیت خداپرستی و تحقق وعده خداوند حکیم با شما سخن بگویم. سپس موضوع هسته ای ایران را به عنوان یک واقعیت و آزمایشگاه سنجش صداقتها و کارآمدها و ایستادگیها و پیروزیها در معرض قضاوت شما قرار دهم و در پایان پیشنهادات خود را ارایه نمایم. دوستان و همکاران گرامی می دانید که بشریت، امروز با چالشهای مهم، متعدد و متنوعی مواجه است که به برخی از آنها اشاره می کنم؛

۱. تلاش سازمان یافته برای فروپاشی خانواده و کاهش منزلت زن

خانواده مقدس ترین و با ارزش ترین بنیاد انسانی است که به منزله کانون پاکترین عشقها و محبت متقابل مادران، پدران و فرزندان و محیط امن برای تربیت نسلهای بشری و بستر شکوفایی عاطفه ها و استعدادها، همواره مورد احترام همه اقوام و ادیان و فرهنگها بوده است. امروز شاهد یک هجمه سازمان یافته از ناحیه دشمنان انسانیت و چپاولگران اقتصادی برای فروپاشی این نهاد اصیل هستیم که با ترویج لا ابالی گری و خشونت و شکستن حریمهای عفت و پاکدامنی در صدد انجام آن هستند. وجود ارزشمند زن به عنوان مظهر جمال الهی و نقطه جوشش محبت، عاطفه و پاکی، در دهه های اخیر دستخوش سوء استفاده گسترده اصحاب قدرت، رسانه و ثروت شده است. در برخی از جوامع، این وجود عزیز را در حد ابزار تبلیغاتی ساقط کرده اند و همه پرده های عفت و حریم زیباییها و پاکیزگیها را شکسته اند. این یک خیانت بزرگ به جامعه بشری و نسلهای متوالی و ضربه ای جبران ناپذیر به پایه انسجام اجتماعی یعنی خانواده است.

۲. نقض گسترده حقوق بشر، توسعه تروریسم و اشغالگری

امروز متأسفانه حقوق بشر به طور وسیع توسط برخی قدرتها به ویژه از ناحیه مدعیان انحصاری آن مورد تعرض قرار می گیرد. برپایی زندانهای مخفی، ربایش افراد و محاکمه و مجازات مخفیانه و بدون رعایت معیارهای دادرسی، شنود گسترده مکالمات، بازگشایی

نامه‌ها و احضارهای مکرر به مراکز پلیسی و امنیتی به امری عادی بدل شده است. با اعلام نظر دانشمندان و مورخان در موضوعات مهم جهانی مخالفت و آنان را محاکمه و زندانی می‌کنند. به بهانه‌های گوناگون کشورها را اشغال و ناامنی و اختلاف ایجاد می‌کنند و همینها را بهانه استمرار اشغالگری قرار می‌دهند. بیش از شصت سال سرزمین فلسطین به عنوان جبران خسارتی که در جنگ در سرزمین اروپا دیده اند در اشغال رژیم غیر قانونی صهیونیستی است، مردم آن آواره و یا تحت فشارهای سنگین نظامی و تحریمهای اقتصادی و یا در زندانهای مخوفند. اشغالگران حمایت و تمجید می‌شوند و مردم مظلوم مورد هجوم سیاسی و نظامی و تبلیغاتی قرار می‌گیرند. به جرم آزادی خواهی آب و برق و دارو را بر مردم فلسطینی و در شهر و دیار خودشان می‌بندند و با دولت برآمده از رای آنها مخالفت می‌کنند. جریان‌ات تروریستی زیر سایه سیاستمداران و نظامیان قدرتهای بزرگ سازمان می‌یابند و به جان و مال ملتها تعرض می‌کنند. با اعلام قبلی، صهیونیست‌های بی‌فرهنگ، مردم را در خانه و شهرشان ترور می‌کنند و تروریست‌ها مدال صلح می‌گیرند و حمایت می‌شوند. از طرف دیگر عده‌ای از مردم یهودی را با تبلیغات دروغ و به بهانه رفاه و شغل و غذا از نقاط مختلف دنیا آواره و در سرزمین اشغالی فلسطینی اسکان می‌دهند و آنان را تحت سخت‌ترین محدودیتها، فشار روانی و تهدید دائمی نگه می‌دارند. از بازگشت آنان به وطن اصلی شان جلوگیری می‌کنند و با زور و تبلیغ آنان را وادار به کینه ورزی نسبت به مردم بومی فلسطین می‌کنند.

سرزمین عراق به بهانه اسقاط دیکتاتور و کشف سلاح کشتار جمعی اشغال می‌شود. دیکتاتور عراق که زمانی طولانی مورد حمایت همین اشغالگران بود می‌رود و سلاحی کشف نمی‌شود ولی اشغالگری به بهانه‌های گوناگون همچنان ادامه می‌یابد. هر روز مردم کشته، زخمی و آواره می‌شوند و اشغالگران نه تنها پاسخ گو و شرم‌منده نیستند بلکه در گزارشی، ایجاد بازار فروش سلاح را به عنوان دستاورد لشگرکشی خود معرفی می‌کنند. حتی با قانون اساسی، مجلس و دولت برآمده از رای مردم عراق نیز مقابله و مخالفت می‌کنند و در عین حال شجاعت پذیرش و اعلام شکست قطعی خود و خروج از عراق را نیز ندارند. متأسفانه شاهد این واقعیت تلخ هستیم که برخی قدرتها جز برای خود و حزب و

گروهشان برای هیچ انسان و ملتی ارزش قائل نیستند. از نظر آنان حقوق بشر، برابر با درآمدها و منافع کمپانیهای آنان و دوستانشان است. حقوق و حیثیت مردم آمریکا نیز قربانی خود خواهیهای برخی قدرتمندان است.

۳. هجمه به فرهنگهای بومی و تحقیر ارزشهای ملی ملتها

فرهنگ، نماد هویت و رمز ماندگاری ملتها و اساس تعامل آنان با دیگران است. در یک حرکت سازمان یافته، فرهنگهای بومی که پیام آور یکتا پرستی، عشق و برادری اند مورد هجوم گسترده تخریبی قرار می گیرند، سنتها و ارزشهای ملی تحقیر و خودباوری و شخصیت ملتها مورد توهین و تمسخر قرار می گیرد. هدف از این، ترویج روحیه تقلید، مصرف گرایی، دوری از خدا و ارزشهای انسانی و شکستن مقاومت ملتها و چپاول منابع آنان توسط قدرتهای بزرگ است.

۴. گستره فقر، بی سوادی و محرومیت از بهداشت و فاصله فقیر و غنی در جهان

در حالی که بخش مهمی از منابع طبیعی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین با تسلط سیاسی و اقتصادی برخی قدرتها به یغما می رود، وضعیت فقر و محرومیت بسیار هشدار دهنده است. به برخی آمارهای منتشره توسط سازمان ملل متحد توجه کنید.

- روزانه حدود ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه سر بر بالین می گذارند و حدود ۹۸۰ میلیون نفر در فقر مطلقند. یعنی روزانه کمتر از یک دلار قدرت خرید دارند.

- مردم ۳۱ کشور یعنی ۹ درصد جمعیت جهان دارای طول عمر متوسط ۴۶ سال یعنی ۳۲ سال کمتر از متوسط کشورها برخوردار هستند.

- نسبت برخورداری بین غنی و فقیر در برخی نقاط به ۴۰ برابر رسیده است.

- در بسیاری از کشورها، اکثریت مردم از آموزش و تعلیم و تربیت محرومند.

- در کشورهای در حال توسعه از هر یکصد هزار مادر در هنگام زایمان ۴۵۰ نفر

می میرند. این نسبت در کشورهای پیشرفته ۷ است و نسبت کودکانی که در هنگام تولد می میرند ۵۹ در برابر ۶ است.

یک سوم مرگ و میر در جهان یعنی روزانه ۵۰ هزار نفر ناشی از عوامل مربوط به فقر است. گمان می‌کنم همین تعداد عدد و رقم گویای واقعیت بسیار تاسف بار حاکم بر مناسبات اقتصادی در جهان است.

۵. نادیده گرفتن ارزشهای متعالی و ترویج فریب و دروغ

برخی قدرتها تمام ارزشهای بشری نظیر صداقت، پاکی و امانتداری را برای پیشبرد اهداف خود قربانی می‌کنند. تردید و فریب کاری را در مناسبات بین دولتها و بین مردم رواج می‌دهند. آشکارا دروغ می‌گویند، تهمت می‌زنند، بر خلاف قانون عمل می‌کنند و فضای اعتماد و دوستی را به شدت تخریب می‌کنند. آنان رسماً اخلاق و ارزشهای متعالی را از مناسبات کنار گذاشته‌اند و خودخواهی، برتری جویی، کینه‌ورزی و تحمیل را جایگزین عدالت، احترام به دیگران، عشق، محبت و صداقت کرده‌اند. اینان همه خوبیها و زیباییهای زندگی را فدای مطامع خود می‌کنند.

۶. نقض قوانین و حقوق بین الملل و نادیده گرفتن تعهدات

برخی از کسانی که خود واضع قوانین بین المللی هستند آشکارا و به راحتی آن را نقض و سیاست تبعیض آلود و دوگانه اعمال می‌کنند. قانون خلع سلاح اتمی را وضع می‌کنند ولی هر روز نسلهای جدیدی از آن را آزمایش و انبارها را پر می‌کنند. منشور ملل متحد را تنظیم کرده‌اند ولی حق استقلال و حاکمیت بر سرنوشت ملتها را محترم نمی‌شمارند. قراردادهای رسمی خود را به راحتی و با تغییر سیاست زیر پا می‌گذارند. به قوانین مربوط به حفظ محیط زیست تن نمی‌دهند. بیشترین تخلف از قوانین توسط چند قدرت جهانی انجام می‌شود.

۷. گسترش سایه تهدید و مسابقه تسلیحاتی

برخی قدرتها در مناسبات جهانی و هر کجا که منطبق آنان در می‌ماند به راحتی از زبان تهدید استفاده می‌کنند. رقابت سنگین تسلیحاتی سایه تهدید را بر جهان می‌گستراند.

مردم اروپا که قربانی دو جنگ بزرگ و چند جنگ دیگر خانمانسوز و چند دهه جنگ سرد در قرن گذشته بودند، امروز نیز زیر سایه تهدید زندگی می‌کنند و منافع، امنیت و سرزمین آنان در سایه مسابقه تحمیلی از سوی برخی قدرتها در خطر قرار می‌گیرد. یک قدرت زورگو به خود حق می‌دهد که با استقرار سامانه موشکی، زندگی را به کام مردم یک قاره تلخ کند و زمینه ساز رقابت تسلیحاتی گردد. برخی حاکمان به ظاهر قدرتمند که تصور می‌کنند وسیله اقتداری در اختیار دارند، بی‌صبرانه و در هر موضعی و هر زمانی از زبان تهدید استفاده می‌کنند و به این ترتیب سایه ناامنی را بر مردم، ملتها و مناطق می‌افکنند.

۸. ناتوانی سازوکارهای بین‌المللی برای رفع این چالشها و برپایی صلح و امنیت پایدار آشکارا مشاهده می‌شود که سازمانها و سازوکارهای موجود فاقد ظرفیت و توانمندی لازم برای حل مشکلات، رفع چالشها و تنظیم عادلانه مناسبات و برقراری صلح و برادری و امنیت هستند. کمتر دولت و ملتی است که برای احقاق حقوق و یا دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی خود امیدی به این سازوکارها داشته باشد.

دوستان و همکاران صمیمی چالشها بیش از این است و می‌دانم اگر هریک از شما در این موضع سخن می‌گفتید موارد فراوان دیگری را ذکر می‌کردید، لیکن به همین بسنده می‌کنم. اینک سؤال مهم و تعیین‌کننده این است که ریشه این چالشها و نابسامانیها چیست و در کجاست؟ در یک ارزیابی علمی و دقیق ریشه این وضعیت در دو عامل اساسی خلاصه می‌شود.

بدون تردید عامل نخست را باید در مناسبات برآمده از جنگ دوم جهانی جستجو کرد. آنجا که برخی قدرتهای پیروز، نقشه سلطه بر جهان را ترسیم و سیاستهای خود را نه بر اساس عدالت بلکه بر اساس تضمین منافع پیروزمندان در برابر شکست خوردگان تنظیم کردند. از این رو سازوکارهای برآمده از این رویکردها و سیاستها نیز ۶۰ سال است که از حل عادلانه مسائل جهانی عاجز است. برخی قدرتهای بزرگ همچنان رفتار پیروزمندان در جنگ جهانی را دارند و سایر دولتها و ملتها، حتی آنان که در جنگ هیچ مشارکت و دخالتی نداشته‌اند را شکست خوردگان جنگ به حساب می‌آورند و از موضع ارباب و رعیتی، ملتها را

تحقیر و از آنان باج خواهی می کنند. برای خودشان حقوق برتر قایلند و در برابر هیچ سازمان و مرجع بین المللی پاسخگو نیستند.

همکاران، جناب رییس، خانم ها و آقایان؛ در میان همه سازمانهای ناکارآمد، متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل در صدر قرار دارد. شرایطی ایجاد کرده اند که برخی قدرتها با حق ویژه و انحصاری در شورای امنیت، چه شاکی باشند و چه متهم، همزمان دادستان، قاضی و مجری حکم هم هستند. بسیار طبیعی است که کشورها و ملت‌های مورد تعرض آنان امید نداشته باشند از طریق آن شورا حقوق خود را تادیه کنند. بشریت شاهد بود که متأسفانه در تمام جنگ‌های طولانی نظیر جنگ کره و ویتنام، جنگ صهیونیست‌ها علیه فلسطینیان و لبنان، جنگ صدام علیه ملت ایران و جنگ‌های نژادی در اروپا و آفریقا همواره برخی از قدرتها عضو در شورای امنیت در یک طرف مخاصمه بوده اند و یا از یک طرف که غالباً متجاوز بوده است و یا از اصل مخاصمه حمایت کرده اند. عراق را ببینید، ابتدا سرزمین را اشغال و سپس از شورای امنیت تقاضای مجوز کردند. شورایی که همین اشغالگران با حق و تو در آن حضور دارند. مردم عراق باید از چه کسی و به کجا شکایت کنند و امید احقاق حق خود را داشته باشند؟ در لبنان دیدیم که برخی قدرتها مدت سی و سه روز شورای امنیت را، به امید غلبه رژیم صهیونیستی، از تصمیم‌گیری بازداشتند و زمانی که از پیروزی آن رژیم اشغالگر مأیوس شدند اجازه دادند قطعنامه آتش بس صادر شود. در حالی که وظیفه اصلی شورای امنیت جلوگیری از گسترش نزاع، برقراری آتش بس و متعاقب آن صلح و امنیت است. مردم لبنان باید به چه کسی و کدام سازمانی شکایت کنند؟

عالیجنابان، خانم ها و آقایان؛ حضور برخی قدرتها در انحصار طلب، شورا را از انجام وظایف اصلی خود یعنی پاسداری از صلح و امنیت بر پایه عدالت باز داشته است. اعتبار شورا مخدوش و کارایی آن در دفاع از حقوق اعضای سازمان ملل از بین رفته است. بسیاری از ملت‌ها اعتماد خود را به این شورا از دست داده اند. برخی دیگر از ساز و کارها مثل ساز و کارهای پولی و بانکی نیز وضعیت مشابهی داشته و به ابزار تحمیل خواسته برخی قدرتها تبدیل شده اند. روشن است که این ساز و کارها توان پاسخگویی به نیازهای امروز و حل چالشها و برقراری مناسبات عادلانه و پایدار را ندارند. همکاران عزیز، باز بدون تردید عامل

دوم و مهمتر، روی گردانی برخی از قدرتهای بزرگ از اخلاق، ارزشهای الهی و آئین پیامبران و نادیده گرفتن دستورات خدای حکیم و همچنین حاکمیت انسانهای ناصالح است. افراد ناصالحی که نمی‌توانند خود را اداره و کنترل کنند چگونه می‌توانند بر بشریت حکومت و امور انسانها را اصلاح کنند؟ متأسفانه آنان خود را به جای خدا قرار داده‌اند! تابع هوسهای خود هستند و همه چیز را برای خودشان می‌خواهند. برای آنان کرامت انسانی، جان و مال و سرزمین دیگران اعتباری ندارد. قرن‌هاست بشر زخم عمیق برخی قدرتهای ناصالح را بر تن خسته خود دارد و هم امروز نیز ریشه اصلی مشکلات جهان، بی‌اعتنایی به ارزشها و اخلاق و مدیریت انسانهای خود خواه و ناشایسته است.

دوستان، خانمها، آقایان؛ تنها راه اصلاح پایدار، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی، یکتا پرستی، احترام به کرامت انسانها و جاری شدن عشق و محبت در همه تعاملات، مناسبات و قوانین و سپس اصلاح ساختارها بر همین اساس است. برای تحقق این هدف از همگان دعوت می‌کنم تا جبهه برادری، دوستی و صلح پایدار بر پایه خداپرستی و عدالت را تحت عنوان «همبستگی برای صلح» تشکیل دهیم و از تجاوزها و خودخواهیها جلوگیری و فرهنگ محبت و عدالت را ترویج کنیم و اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با کمک همه دولتها و ملت‌های مستقل، صلح طلب و عدالت خواه در این مسیر حرکت خواهد کرد.

خدا پرستی، عدالت و عشق به انسانها باید بر همه ارکان سازمان ملل حاکم شود و این سازمان باید مرجع عدالت محوری باشد که هر عضو آن از حمایت‌های معنوی و حقوقی برابر با دیگران برخوردار باشد. مجمع عمومی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی باید به عنوان اصلی‌ترین رکن این سازمان شناخته شود تا به دور از فشارها و تهدیدهای قدرتهای بزرگ نسبت به اصلاح ساختارهای سازمان ملل اقدام کند و به ویژه شورای امنیت را از وضعیت موجود تغییر دهد و ساختار جدیدی مبتنی بر عدالت و دموکراسی برای آن تعریف نماید تا بتواند پاسخگوی نیازهای موجود و حل چالشها و برقراری ثبات و امنیت پایدار باشد. جناب رییس، عالیجنابان؛ موضوع هسته‌ای ایران یک نمونه آشکار از عملکرد این سازو کارها و اندیشه حاکم بر آنان است. همه می‌دانید، ایران عضو رسمی آژانس و پایبند به قوانین و مقررات آن است و بیشترین همکاری را در تمام زمینه‌ها داشته است. همه

فعالیت‌های ایران صلح آمیز و کاملاً شفاف بوده است. طبق اساسنامه هر عضو آژانس حقوق و تکالیفی دارد. مکلف است در مسیر صلح آمیز حرکت و تحت نظر آژانس به دیگر اعضاء برای بهره مندی از چرخه تولید سوخت یاری کند و حق دارد که از حمایت آژانس برخوردار باشد و طبق قوانین با کمک سایر اعضاء و آژانس چرخه تولید سوخت را در اختیار بگیرد. ایران تاکنون همه تکالیف خود را به جا آورده است ولی از حق کمک‌های فنی سایرین و آژانس و در مقاطعی از حمایت آژانس نیز بی بهره بوده است.

حدود پنج سال برخی از همان قدرتهایی که ذکر کردم با فشار سنگین بر آژانس بین المللی انرژی هسته ای تلاش کردند از بهره مندی ملت ایران از حقوق خود جلوگیری کنند. موضوع هسته ای را از مسیر قانونی خارج و بافاسازی سیاسی از همه توان خود برای تحمیل خواسته‌هایشان بهره بردند. دولت ایران برای اعتماد سازی، تمام راه‌ها را طی کرد ولی آنان به چیزی جز توقف کامل همه تحقیقات و فعالیتها و حتی رشته‌های دانشگاهی و محروم کردن ملت ایران از همه حقوق خود قانع نبودند تا جایی که حتی مراکزی که جزء چرخه تولید سوخت و نیازمند نظارت آژانس نبود نیز تعطیل شد. پس از سه سال مذاکره و تلاش برای اعتماد سازی، ملت ایران به این باور قطعی رسید که دغدغه این قدرتها انحراف احتمالی فعالیت‌های هسته ای ایران نیست بلکه این بهانه ای برای جلوگیری از پیشرفت علمی او است و اگر روند ادامه یابد تا ۲۰ سال بعد هم احتمال برخورداری از حقوقش وجود ندارد. به همین دلیل تصمیم گرفت کار را از همان مسیر درست حقوقی یعنی آژانس دنبال کند و تحمیل‌های سیاسی و غیر قانونی قدرتهای زیاده خواه را کنار بگذارد. در مدت دو سال اخیر بارها و بارها ملت ایران به واسطه سوء استفاده قدرتها از شورای امنیت مورد اتهام و حتی تهدید نظامی و تحریم‌های غیر قانونی قرار گرفت ولی به لطف ایمان به خدا و وحدت ملی، گام به گام جلورفت و اینک کشور ایران به عنوان دارنده چرخه تولید صنعتی سوخت هسته ای با کاربرد صلح آمیز شناخته شده است. متأسفانه شورای امنیت در این موضوع بسیار روشن حقوقی تحت تاثیر فشار برخی قدرتهای زورگو نتوانست عدالت را برپا دارد و از حقوق ملت ایران پاسداری کند. خوشبختانه اخیراً آژانس مجدداً در صدد بازیابی نقش قانونی خود یعنی حمایت از حقوق اعضاء در کنار نظارت بر فعالیتها برآمده است. ما این را

رویکرد درست و عملکرد صحیح این سازمان ارزیابی می کنیم. قبلاً، به طور غیر قانونی اصرار بر سیاسی کردن موضوع هسته ای ملت ایران داشتند ولی امروز به لطف ایستادگی ملت ایران، کار به آژانس برگشته است و من رسماً اعلام می کنم که از نظر ما موضوع هسته ای ایران خاتمه یافته و به یک امر عادی در آژانس بدل شده است. امروز سؤالیهای مهم و فراوانی درباره فعالیتهای هسته ای برخی از همین قدرتها در آژانس مطرح است که باید بررسی شود. البته ملت ایران همواره آماده گفت و گوی سازنده با همگان بوده و خواهد بود.

می خواهم از همه دولتها و ملتیهایی که در این دوره سخت، از حقوق قانونی ملت و سرزمین من حمایت کردند و از کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و دیگر دوستان در شورای امنیت و شورای حکام و از کارشناسان قانونمدار و متعهد آژانس و از مدیر کل آن به خاطر ایستادگی بر قانون تشکر کنم و اعلام کنم که برخلاف قدرتهای انحصار طلب، ملت ایران آماده است طبق تکالیف اساسنامه آژانس و زیر نظر این سازمان تجربیات خود را در قالب برنامه آموزشی در اختیار دیگر اعضا قرار دهد.

اینک خطاب به کسانی که حدود پنج سال مزاحم ملت ایران شدند، به مردم با فرهنگ و تمدن ساز سرزمینم توهین کردند و اتهامها زدند، نصیحت می کنم که؛ از تاریخ و از اقدامات اخیر خود عبرت بگیرند. با ملت بزرگ ایران بسیار بد رفتاری کردند ولی توجه کنند که با دیگر اعضاء سازمانهای بین المللی چنین نکنند. آبروی سازمانهای جهانی را قربانی خواسته های خود نکنند. امروز ملتها بیدارند و می ایستند. شما خودتان را اصلاح کنید دنیا اصلاح می شود. ملتها خوبند و می توانند با هم در صلح و صفا زندگی کنند. آنها بکوشند به ملت های خودشان خدمت کنند، دیگران نیازی به آنها ندارند. آیا وقت آن نرسیده است که آنها از مسیر خودخواهی و تبعیت از شیطان به مسیر خداپرستی برگردند؟! آیا دوست ندارند که از آلودگیها پاک شوند، تسلیم امر خدا شوند و به او ایمان بیاورند؟ ایمان به خدا یعنی ایمان به صداقت، پاکی، عدالت و عشق به دیگران! آنان بدانند که از پاکی، صداقت، عدالت، دوست داشتن و احترام به کرامت انسانها ضرر نمی کنند و مطمئن باشند در نزد ملت های این ارزشها زیاتر و پسندیده تر است. این دعوت همه پیامبران الهی از حضرت آدم تا نوح و ابراهیم، موسی کلیم الله، عیسی روح الله و حضرت محمد رسول الله (ص) است. اگر دعوت

را اجابت کنند نجات می یابند و اگر اجابت نکنند به سرنوشت گذشتگان دچار می شوند.

قرآن کریم می فرماید: «و هر کس دعوت حق را اجابت نکند خدا را در زمین ناتوان نمی کند و برای او یاورانی جز خدا نخواهد بود و او در گمراهی آشکار است.» سوره احقاف آیه ۲۲

آنان هیچ چیز از خود ندارند و نمی توانند از سیطره حکومت و اراده خدا فرار کنند. در این اجتماع مهم باید این سخن خدای بزرگ در قرآن کریم را به آنان یادآور شد که: «آیا به قدرتها و دولتهای قبل از خود نمی نگرند. اگر گذشتگان صاحب چیزی بودند، آن را نگه می داشتند و اجازه نمی دادند شما جایگزین آنان شوید. خدا به واسطه گناهانشان آنان را نابود کرد و کسی در برابر خدا از آنان حفاظت نکرد.» آنان بدانند راه و رسم و اندیشه مبتنی بر بی عدالتی و ظلم از بین خواهد رفت. آیا نشانه های بیداری و مقاومت مبتنی بر خداپرستی، انسان دوستی و عدالت طلبی ملتها را نمی بینند. آیا متوجه نیستند که غروب امپراتوری ها نزدیک است. امیدوارم این دعوت پاسخ عملی داشته باشد.

عالیجنابان؛ ملتها و دولتها مجبور نیستند که تابع بی عدالتی برخی قدرتها باشند. آنان به دلایلی که ذکر شد شایستگی رهبری و تدبیر امور جهان را از دست داده اند. من رسماً اعلام می کنم که؛ دوران مناسبات برخاسته از جنگ دوم جهانی و دوران اندیشه های مادی مبتنی بر خودخواهی و سیطره طلبی پایان یافته است. بشر از یک گردنه سنگین تاریخی عبور کرده است و دوران گرایش به توحید، پاکی، مهرورزی، احترام به دیگران، عدالت و صلح طلبی واقعی آغاز شده است. وعده الهی است که حق پیروز است و زمین به انسانهای صالح به ارث خواهد رسید. ای آزادگان، مومنان و مردم جهان به خدا امیدوار باشید و ای تشنگان ارزشهای متعالی در هر کجا که هستید بکوشید تا با خدمت به انسانها و عدالت خواهی، فرصت تحقق این وعده بزرگ الهی را فراهم کنید. دوران تاریکیها پایان می پذیرد، اسیران به خانه های خود برمی گردند، سرزمینهای اشغالی آزاد می گردد، فلسطین و عراق از سلطه اشغالگران آزاد می شود و مردم اروپا و آمریکا از فشار صهیونیستها رهایی خواهند یافت. دولتهای مهربان و دوستدار انسانها جایگزین دولتهای خشن و زورگو خواهند شد. کرامت انسانی اعاده می گردد. عطر دل انگیز عدالت منتشر خواهد شد و مردم

با محبت و برادری در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد. تلاش در این راه و برای حاکمیت انسانهای صالح و انسان کامل، آخرین برگزیده خدا و موعود امم، در حقیقت مرهم نهایی زخمها و حلال همه مشکلات و برپا کننده عشق، زیبایی، عدالت و حیات سعادت‌مند در همه دنیاست. همین اعتقاد و تلاش، رمز وحدت و تعامل سازنده بین ملتها و دولتها و آحاد جامعه بشری و همه عدالت خواهان واقعی است.

بدون تردید موعود امم و مصلح کل و نجات بخش نهایی و آخرین پیک آسمانی می آید و همراه همه خداپرستان، عدالت طلبان و مهرورزان، آینده درخشان را برپا و جهان را پر از عدل و زیبایی خواهد کرد. این وعده خداست و وعده خدا تخلف نمی پذیرد. بیایید ما هم سهمی در تحقق این همه شکوه و زیبایی داشته باشیم. به امید آینده روشن بشری و طلوع صبح رهایی و آزادی همه انسانها و محو مظاهر ظلم، نفرت و خشونت و حاکمیت کامل عشق و محبت در سراسر جهان. آینده ای که آن را نزدیک می بینم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی